

کتاب دانی ایل — اٹھسٹھواں

آشکار سازی پیام نبوی فصل هشتم حزقیال: قانون یکشنبه و ایام آخر

Jeff Pippenger

2024-02-01

باب هشت حزقیال یکی از آسان ترین فصل های نبوی کتاب مقدس است. این فصل نقطه آغاز مشخصی دارد.

Y sucedió en el año sexto, en el mes sexto, a los cinco días del mes, estando yo sentado en mi casa, y los ancianos de Judá sentados delante de mí, que allí cayó sobre mí la mano del Señor Dios. Ezequiel 8:1

خواب کا ایک واضح اختتام گیارھویں باب میں ہے۔

سپس روح مرا برگرفت و در رؤیا، یہ وسیلہ روح خدا، بہ کلدانیان، نزد اسیران، آورد۔ پس آن رؤیایی کہ دیدہ بودم از من برکشیدہ شد۔ آنگاہ تمامی اموری را کہ خداوند بہ من نشان دادہ بود، بہ اسیران بازگفتم۔ حزقیال ۱۱:۲۴، ۲۵۔

رؤیای فصل هشتم در روز پنجم، از ماه ششم سال ششم آغاز می شود، درست یک روز پیش از آنکه تاریخ با «666» منطبق گردد؛ و چنان که انتظار می رود، این رؤیا درباره قانون یکشنبه است، که همان نشان وحش است، که عدد آن، عدد «مرد گناه» است، و نیز عدد پادشاهی هشتمی که از آن هفت است. آنان که بر عدد «666» غالب می آیند، مهر خدا را دریافت می کنند، و در فصل نهم، مهر خدا بر قوم امین خدا در ایام آخر نهاده می شود.

اور میں نے آسمان میں ایک اور نشان دیکھا، بڑا اور عجیب: سات فرشتے، جن کے پاس آخری سات بلائیں تھیں؛ کیونکہ انہی میں خدا کا غضب کامل ہوتا ہے۔ اور میں نے گویا شیشہ کا ایک سمندر دیکھا جو آگ سے ملا ہوا تھا؛ اور وہ لوگ جنہوں نے درندہ پر، اور اُس کی مورت پر، اور اُس کے نشان پر، اور اُس کے نام کے عدد پر فتح پائی تھی، شیشہ کے سمندر پر کھڑے تھے، اور خدا کے برہنہ لیے ہوئے تھے۔ اور وہ خدا کے بندہ موسیٰ کا گیت، اور برہ کا گیت گاتے ہیں، اور کہتے ہیں: اے قادر مطلق خداوند خدا، تیرے کام بڑے اور عجیب ہیں؛ اے قدیسوں کے بادشاہ، تیری راہیں راست اور سچی ہیں۔ مکاشفہ 15:1-3۔

مباشرتاً پیش از پایان زمان آزمایش، (زیرا هفت فرشته با هفت بلای آخر در فصل بعدی مکاشفہ خشم خدا را فرو خواهند ریخت)، قوم ایام آخر خدا شناخته می شوند. آنان بر چهار چیز غلبہ یافته اند. واژه ای کہ «غلبہ» ترجمہ شدہ است، بہ معنی فتح کردن است. امینان بر وحش، بر تصویر وحش، بر علامت وحش، و بر عدد نام او فاتح شدہ اند. این پیروزی دربرگیرندہ این واقعیت نیز هست کہ آنان می فهمند آن چهار نماد چہ چیزی را نمایندگی می کنند. تنها درصد بسیار اندکی از مردم می دانند کہ آن چهار نماد نبوتی در واقع نمایانگر چہ هستند.

دنیا پیش تر می دانست کہ پاپیت همان فاحشہ بایل در فصل ہفدہم است؛ اما همان گونه کہ کلام خدا معرفی کردہ است، در جریان تاریخ ایالات متحدہ، فہم فاحشہ صور کہ با پادشاہان زمین زنا می کند، بہ فراموشی سپردہ می شود. غلبہ یافتن بر وحش بدین معناست کہ کلام حق را بہ درستی تقسیم کنیم و تشخیص دہیم کہ وحش نبوت کتاب مقدس همان پاپیت است. در فصل بعدی، اژدہا و وحش و نبی کذاب جہان را بہ آرمگدون می کشانند، و وفاداران خدا در ایام آخر باید بدانند کہ آن سہ قدرت

چه کسانی هستند.

اور چھٹے فرشتے نے اپنا پیالہ عظیم دریا فرات پر اُنڈیل دیا، اور اُس کا پانی خشک ہو گیا تاکہ مشرق کے بادشاہوں کے لیے راستہ تیار کیا جائے۔ اور میں نے اژدہا کے منہ سے، اور حیوان کے منہ سے، اور جھوٹے نبی کے منہ سے مینڈکوں کی مانند تین ناپاک روحیں نکلتی دیکھیں۔ کیونکہ وہ شیاطین کی روحیں ہیں، جو معجزے دکھاتی ہیں، اور زمین کے بادشاہوں اور تمام جہان کے پاس نکل جاتی ہیں تاکہ انہیں خدا قادر مطلق کے اُس عظیم دن کی لڑائی کے لیے جمع کریں۔ دیکھو، میں چور کی مانند آتا ہوں۔ مبارک ہے وہ جو جاگتا رہتا ہے اور اپنے کپڑوں کی حفاظت کرتا ہے، ایسا نہ ہو کہ ننگا پھرے اور لوگ اُس کی شرم دیکھیں۔ اور اُس نے انہیں ایک جگہ جمع کیا جو عبرانی زبان میں ہرمجدون کہلاتی ہے۔ مکاشفہ 16:12-16۔

پیروزی بر وحش، پیروزی فہم درست این حقیقت است کہ وحش کیست. عبارتی کہ ہمیں اکنون نقل شد، بر کسانی برکت اعلام می کند کہ بیدار می مانند و جامه های خود را حفظ می کنند؛ باین حال، تا هنگام بلای ششم، مهلت آزمایش برای همه انسان ها به طور کامل بسته شده است. هنگامی کہ میکائیل برمی خیزد، مهلت آزمایش بشر پایان می یابد و سپس هفت بلای آخر فرو ریخته می شود. پس از بسته شدن مهلت آزمایش، هیچ راهی برای تغییر جامه ها وجود ندارد؛ باین همه، هشدار در ارتباط با بلای ششم وجود دارد. آن هشدار به داشتن درک درست از وحش پیش از بسته شدن مهلت آزمایش مربوط است، و اگر آن درک را نداشته باشید، پیش از پایان مهلت آزمایش، جامه پارسایی مسیح را از دست خواهید داد.

«کسانی کہ در فهم کلام دچار سردرگمی می شوند و از درک معنای دجال بازمی مانند، بی گمان خود را در جانب دجال قرار خواهند داد. اکنون دیگر زمانی برای همرنگ شدن با جهان برای ما نیست. دانیال در نصیب خویش و در جایگاه خود ایستاده است. نبوت های دانیال و یوحنا باید فهمیده شوند. آن ها یکدیگر را تفسیر می کنند. آن ها حقایقی را به جهان عرضه می دارند کہ هر کس باید آن ها را درک کند. این نبوت ها باید در جهان شهادت باشند. به واسطه تحقیقشان در این ایام آخر، خود را تبیین خواهند کرد.» Kress Collection, 105.

اگر کسی درک نکند کہ ضد مسیح همان پاپیت است، سرانجام در جانب پاپیت قرار خواهد گرفت؛ یا چنان کہ یوحنا نوشت، عریان خواهد رفت و شرمساری خود را آشکار خواهد ساخت. غلبه یافتن بر وحش یعنی فهمیدن این کہ وحش همان قدرت پاپی است، و نیز همه آنچه درباره قدرت پاپی مکشوف شده است. آنان کہ غلبه می یابند و درمی یابند کہ پاپیت همان مرد گناه است، باید همچنین دریابند کہ صورت پاپیت نمایانگر اصل پیوند کلیسا و دولت است، با این شرط کہ کلیسا بر این رابطه حاکم باشد.

در کتاب دانیال، ساختار وحش، کہ هم آمیزی کلیسا و دولت است، به عنوان «معصیت ویرانگر» به تصویر کشیده شده است. معصیت، گناه است، و آن گناهی کہ وحش پاپی را پدید می آورد این است کہ پادشاهان قدرت خود را به اقتدار پاپی تسلیم می کنند. آنان با انجام این کار، زناکاری روحانی مرتکب می شوند، کہ همان «معصیت ویرانگر» دانیال و «تصویر وحش» یوحناست.

برای به دست آوردن پیروزی بر تصویر پاپی، باید از طریق کلام خدا دریافت کہ ایالات متحده نخست این رابطه را برقرار می سازد، و آن را در قانون یکشنبه ای کہ به زودی برقرار خواهد شد، رسمیت می بخشد، و سپس تمام جهان را وادار می کند کہ همان رابطه را بپذیرد.

رابطه کلیسا و دولت کہ ایالات متحده آمریکا آن را بر زمین تحمیل خواهد کرد، عبارت است از حکومت واحد جهانی (سازمان ملل متحد) کہ با پاپیت، به عنوان قدرت حاکم بر این ترتیبات، وارد اتحاد می شود. غلبه یافتن بر صورت وحش، یعنی آن کہ به واسطه کلام نبوی خدا دریابیم کہ صورت وحش نماینده همین امور است.

به دست آوردن پیروزی بر وحش و بر صورت وحش، دربرگیرنده دستیابی به فهم نشان اقتدار وحش (پاپیت) نیز هست.

نشان وحش، تحمیل رعایت یکشنبه به عنوان سبت خداست. برای به دست آوردن غلبه بر این نشان، لازم است فهمیده شود که عبادت یکشنبه، عبادت خورشید است و این چیزی جز پرستش بت پرستانه بعل نیست. این غلبه همچنین شامل این حقیقت است که هیچ کس نشان وحش را دریافت نمی کند مگر آن گاه که بر انسان ها تحمیل شود.

«لیکن گزشتہ نسلوں کے مسیحیوں نے اتوار کو مانا، یہ سمجھتے ہوئے کہ ایسا کرکے وہ بائبل کے سبت کو بجا لا رہے ہیں؛ اور اب بھی ہر کلیسیا میں—رومی کیتھولک جماعت مستثنیٰ نہیں—سچے مسیحی موجود ہیں، جو دیانت داری سے یہ ایمان رکھتے ہیں کہ اتوار ہی وہ سبت ہے جسے الہی تقرری حاصل ہے۔ خدا ان کے مقصد کی اخلاص مندی اور اپنے حضور ان کی راستبازی کو قبول کرتا ہے۔ لیکن جب اتوار کی پابندی قانون کے ذریعے نافذ کی جائے گی، اور دنیا کو حقیقی سبت کی پابندی کے متعلق منور کر دیا جائے گا، تب جو کوئی خدا کے حکم سے تجاوز کرے گا، تاکہ ایسے ضابطے کی اطاعت کرے جس کی کوئی برتر سند روم کی سند سے زیادہ نہیں، وہ اس طرح خدا پر پاپائیت کو ترجیح دے گا۔ وہ روم اور اس اقتدار کو خراج عقیدت پیش کر رہا ہے جو اس ادارے کو نافذ کرتا ہے جسے روم نے مقرر کیا۔ وہ حیوان اور اس کی مورت کی پرستش کر رہا ہے۔ پس جب لوگ اس ادارے کو رد کریں گے جسے خدا نے اپنی اقتداری علامت قرار دیا ہے، اور اس کے بجائے اس چیز کو عزت دیں گے جسے روم نے اپنی سیادت کی نشانی کے طور پر چنا ہے، تو وہ اس طرح روم سے وفاداری کی علامت—’حیوان کا نشان‘—قبول کریں گے۔ اور جب تک یہ معاملہ اس طور پر لوگوں کے سامنے صاف صاف نہ رکھ دیا جائے، اور انہیں خدا کے احکام اور انسانوں کے احکام کے درمیان انتخاب کرنے پر نہ لایا جائے، اس وقت تک وہ لوگ جو سرکشی میں قائم رہیں گے، ’حیوان کا نشان‘ حاصل نہیں کریں گے۔» The Great Controversy, 449.

آنان کہ بر وحش، و صورت وحش، و نشان وحش غالب می آیند، باید بر عدد نام او نیز غالب آیند. در آن دوره از تاریخ کہ فاحشہ صور بہ فراموشی سپردہ شدہ بود، جہان پروتستان می دانست کہ پاپیت همان ضد مسیح است. آنان می دانستند کہ پولس پاپیت را «آن شریر»، «مرد گناہ»، «سر بی دینی» و «پسر ہلاکت» معرفی کردہ است؛ «کہ مخالفت می ورزد و خویشتن را برتر می سازد از ہر آنچہ خدا خواندہ می شود یا مورد پرستش است؛ چنان کہ او چون خدا در معبد خدا می نشیند و خویشتن را می نمایاند کہ خداست.» اما اکنون آن فاحشہ عظیم صور بہ فراموشی سپردہ شدہ است.

در اعصار گذشتہ، کاربردہای گوناگونی از ایزوپسفی، یا جماریا، وجود داشت کہ نشان می داد عدد «666» بہ گونه ای نمادین نمایانگر پاپیت است. نمونہ ای کلاسیک از این امر آن است کہ بر میتر پاپ عبارت Vicarius Filii Dei نوشتہ شدہ است. Vicarius Filii Dei، کہ بہ معنای «نایب پسر خدا» است، و از این رو بہ ادعای او مبنی بر نشستن در ہیکل خدا و دعوی خدا بودن اشارہ دارد. حروف لاتینی Vicarius Filii Dei برابر با عدد ششصد و شصت و شش است.

وحش، کہ همان قدرت پاپی است، بہ عدد خود شناختہ می شود و عدد او «666» است؛ اما آن مرد گناہ در سال 1798 زخم مہلکی دریافت کرد و بہ فراموشی سپردہ شد. در ایام آخر، آن زخم مہلک باید شفا یابد، و شفای آن زخم مہلک این حقیقت را آشکار می سازد کہ ایالات متحدہ نخست در کشور خود صورتی برای وحش می سازد، و سپس جہان را نیز وادار می کند کہ همان کار را انجام دہد.

تصویر جہانی وحش ہم دوگانہ است و ہم سہ گانہ. از لحاظ نبوتی دوگانہ است، زیرا از ترکیب کلیسا و دولت تشکیل شدہ است؛ اما سہ گانہ است، از آن رو کہ از اژدہا، وحش و نبی کاذب تشکیل می شود. ہنگامی کہ اتحاد سہ گانہ همان قدرت ہایی کہ جہان را بہ آرماگدون خواهند کشاند برقرار

شود، آنان همان وحشی خواهند بود که پادشاهی هشتم است و از آن هفت است، و نیز اتحاد سه گانه پادشاهی ششم خواهد بود. عدد نام وحش در ایام آخر بار دیگر «666» است، زیرا نمایانگر سه پادشاهی است که هر یک بخشی از پادشاهی ششم اند.

حاصل کردن غلبه بر وحش، صورت او، نشان او و عدد نام او، یعنی فهمیدن این معما که «هشتم از آن هفت است»، که همان سر دانیال دو است؛ همان چیزی که دانیال برای فهم آن دعا کرد. این، بخشی از مکاشفه عیسی مسیح است که اندکی پیش از بسته شدن در آزمایش گشوده می شود، زیرا چنان که یوحنا گفت، «وقت نزدیک است.» از این رو، آنان که آن غلبه را به دست می آورند، در کنار فرشتگانی که بلاها را فرو می ریزند، به تصویر کشیده شده اند، زیرا ایشان آن غلبه، یا فهم نبوی لازم را، درست پیش از بسته شدن در آزمایش به دست می آورند.

کسانی که درمی یابند مکاشفه عیسی مسیح اندکی پیش از پایان مهلت آزمون گشوده می شود، و اینکه عدد «666» عنصری از آن رؤیاست، از این نکته غافل نخواهند شد که رؤیای حزقیال در فصل هشتم در روز پنجم (که روز پیش از روز ششم است)، در ماه ششم سال ششم آغاز می شود. تا پایان فصل هشتم، بیست و پنج مرد در برابر خورشید سجده می کنند، و فصل نهم کسانی را که مهر خدا را دریافت می کنند، مشخص می سازد.

زمینه این رؤیا نشان وحش و مهر خداست، و این رؤیا درست پیش از بسته شدن مهلت آزمایش در هنگام قانون یکشنبه، چنان که به وسیله عدد «666» نمونه وار نشان داده شده است، گشوده می شود. اما بسته شدن مهلت آزمایش که به عنوان رخ دادن در هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده شناسایی می شود، پایان مهلت آزمایش بشر نیست؛ بلکه پایان مهلت آزمایش تنها برای آدونتیست های روز هفتم است.

رؤیا چنین نمایش داده شده است که در درون اورشلیم رخ می دهد، که نمادی از کلیسای آدونتیست های روز هفتم است. در هنگام وضع قانون یکشنبه در ایالات متحده، آدونتیست های روز هفتم تنها گروهی هستند که در همان جا و در همان زمان، در قبال نوری که درباره سبت دریافت کرده اند، مسئول شناخته می شوند.

«اگر نور حقیقت به شما عرضه شده باشد، به گونه ای که سبت فرمان چهارم را آشکار سازد و نشان دهد که برای رعایت یکشنبه هیچ بنیانی در کلام خدا وجود ندارد، و با این همه شما همچنان به سبت کاذب بچسبید و از مقدس نگاه داشتن سبتی که خدا آن را «روز مقدس من» می خواند سر باز زنید، نشان وحش را دریافت می کنید. این در چه هنگام روی می دهد؟—هنگامی که فرمانی را اطاعت می کنید که به شما دستور می دهد در روز یکشنبه از کار دست بکشید و خدا را پرستش کنید، در حالی که می دانید در کتاب مقدس حتی یک کلمه نیز وجود ندارد که نشان دهد یکشنبه چیزی جز یک روز عادی کار است، شما رضایت می دهید که نشان وحش را بپذیرید و مهر خدا را رد می کنید. اگر این نشان را بر پیشانی های خود یا بر دست های خود دریافت کنیم، داوریهایی که بر نافرمانان اعلام شده است، ناگزیر بر ما فرو خواهد آمد. اما مهر خدای زنده بر کسانی نهاده می شود که با وجدان بیدار، سبت خداوند را نگاه می دارند.» Review and Herald, April 27, 1911

رؤیای حزقیال از فصل هشتم تا فصل یازدهم، تاریخ منتهی به پایان مهلت آزمایش برای اورشلیم را مشخص می کند. این رویداد چنان به تصویر کشیده شده است که گویی تنها یک روز پیش از فرا رسیدن عدد «666» واقع می شود، و فصل هشتم شورش فزاینده را در درون اورشلیم نشان می دهد که سرانجام به آنجا می انجامد که مردان پیشوا در برابر خورشید سجده می کنند و بدین سان نشان وحش را دریافت می نمایند.

باب نهم فرشته‌ای را نشان می‌دهد که در اورشلیم عبور می‌کند (و بدین‌سان یک سیر تدریجی را مشخص می‌سازد) و پیش از فرشتگان هلاک‌کننده، بر یک گروه مهری می‌نهد؛ همان فرشتگانی که پس از آن، همه کسانی را که مهر ندارند، هلاک می‌کنند. هر دو باب، تاریخی تدریجی را به تصویر می‌کشند که به قانون یک‌شنبه منتهی می‌شود؛ جایی که یک گروه در برابر خورشید تعظیم می‌کند و گروه دیگر مهر خدا را دریافت می‌نماید. سپس شریران از اورشلیم برداشته می‌شوند، زیرا قانون یک‌شنبه میان شریران و حکیمان جدایی می‌افکند.

مهر لگایا جانا، جس کی نمائندگی حزقی ایل باب نو میں کی گئی ہے، وہی مهر لگایا جانا ہے جس کی نمائندگی مکاشفہ باب سات میں کی گئی ہے۔

«اگر چنین صحنه‌هایی در پیش است، چنین داوری‌های هولناک بر جهانی گناهکار، پس پناه قوم خدا کجا خواهد بود؟ آنان چگونه محفوظ نگاه داشته خواهند شد تا خشم بگذرد؟ یوحنا عناصر طبیعت—زلزله، توفان، و کشاکش سیاسی—را می‌بیند که به وسیله چهار فرشته نگاه داشته شده‌اند. این بادها تحت مهارند تا زمانی که خدا فرمان دهد رها شوند. در این است ایمنی کلیسای خدا. فرشتگان خدا اراده او را به جا می‌آورند و بادهای زمین را بازمی‌دارند، تا پادها بر زمین، نه بر دریا، و نه بر هیچ درختی نوزند، تا آن‌گاه که بندگان خدا بر پیشانی‌های خود مهر شوند. فرشته مقتدر دیده می‌شود که از مشرق (یا از محل برآمدن آفتاب) صعود می‌کند. این نیرومندترین فرشتگان در دست خود مهر خدای زنده را دارد، یا مهر او را که تنها اوست که می‌تواند حیات ببخشد، او که می‌تواند بر پیشانی‌ها آن نشان یا کنیه را بنگارد که به دارندگان جاودانگی، حیات ابدی، عطا خواهد شد. این صدای همین والاترین فرشته بود که اقتدار داشت به آن چهار فرشته فرمان دهد که چهار باد را مهار کنند تا این کار به انجام رسد، و تا او فرمان رها ساختن آن‌ها را صادر کند.»

«آنانی که بر جهان، جسم و ابلیس غلبه می‌کنند، برگزیدگانی خواهند بود که مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. آنان که دست‌هایشان پاک نیست و دل‌هایشان طاهر نیست، مهر خدای زنده را نخواهند داشت. آنان که برای گناه نقشه می‌کشند و آن را به عمل درمی‌آورند، نادیده گرفته خواهند شد. تنها کسانی که در حالت روحی خود در حضور خدا، جایگاه توبه‌کنندگان و اعتراف‌کنندگان به گناهان خویش را در روز عظیم کفاره ضدنمونه‌ای پر می‌کنند، به عنوان شایستگان حمایت خدا شناخته شده و نشان‌دار خواهند شد. نام‌های آنان که با ثبات قدم به ظهور نجات‌دهنده خود می‌نگرند و انتظار می‌کشند و دیده‌بانی می‌کنند—با اشتیاقی ژرف‌تر و تمنایی شدیدتر از آنان که برای صبح انتظار می‌کشند—در شمار مهرشدگان محسوب خواهد شد. آنان که در حالی که تمامی نور حقیقت بر جان‌هایشان می‌درخشد، باید اعمالی متناسب با ایمان professed خود داشته باشند، اما فریفته گناه می‌شوند، بت‌ها را در دل‌های خود برپا می‌دارند، جان‌های خویش را در حضور خدا فاسد می‌سازند، و آنان را که در گناه با ایشان متحد می‌شوند آلوده می‌کنند، نام‌هایشان از دفتر حیات محو خواهد شد، و در تاریکی نیمه‌شب وانهاده خواهند شد، در حالی که در ظرف‌های خود همراه با چراغ‌هایشان روغنی ندارند. «اما برای شما که از نام من می‌ترسید، آفتاب عدالت با شفا در بال‌های خویش طلوع خواهد کرد.»

«این مهر نهادن بندگان خدا همان چیزی است که در رؤیا به حزقیال نشان داده شد. یوحنا نیز شاهد این مکاشفه بس تکان‌دهنده بود. او دریا و امواج خروشان آن را دید، و دل‌های مردم را که از ترس از کار می‌افتاد، او زمین را دید که به حرکت درآمده بود، و کوه‌ها را که به میان دریا افکنده می‌شدند (که این امر به معنای لفظی در حال وقوع است)، و آب‌های آن را که خروشان و آشفته بودند، و کوه‌ها را که از طغیان آن می‌لرزیدند. به او بلاها، وبا، قحطی، و مرگ نشان داده شد که مأموریت هولناک خود را به انجام می‌رسانند.» شهادت‌ها برای خادمان، 445.

مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر در باب هفتم مکاشفه، در باب نهم حزقیال نیز به تصویر کشیده شده است، و فرشته مهرکننده همان نیرومندترین فرشته است که از مشرق صعود می‌کند. آنان که هلاک می‌شوند و نام‌هایشان از دفتر حیات محو می‌گردد، چنین نشان داده شده‌اند که «در ظرف‌های خود با چراغ‌هایشان روغنی ندارند.» دو طبقه‌ای که در رؤیای باب‌های هشتم تا یازدهم حزقیال دیده می‌شوند، همان باکره‌های دانا و نادان متی بیست و پنج هستند؛ از این‌رو، آنان ادونت‌یست‌اند.

«مثل ده باکره در متی ۲۵ نیز تجربه قوم ادونت‌یست را به تصویر می‌کشد.» نبرد عظیم، ۳۹۳.

خواهر وایت به‌طور مشخص اورشلیم رؤیای حزقیال را ادونت‌یسم معرفی می‌کند:

«قوم حقیقی خدا، که روح کار خداوند و نجات جان‌ها را در دل دارند، همواره گناه را در ماهیت واقعی و گناه‌آلود آن خواهند نگریست. ایشان همیشه جانب برخورد امینانه و صریح با گناهانی را خواهند گرفت که به‌آسانی قوم خدا را احاطه می‌کند. به‌ویژه در کار پایانی برای کلیسا، در زمان مهر زدن آن یکصد و چهل و چهار هزار نفری که باید بی‌عیب در برابر تخت خدا بایستند، ایشان عمیق‌تر از همه، ظلم‌ها و بدی‌های قوم معترف خدا را احساس خواهند کرد. این امر به‌گونه‌ای نیرومند به‌وسیله تمثیل نبی از آخرین کار، تحت صورت مردانی که هر یک سلاح کشتار در دست دارند، بیان شده است. یکی از ایشان جامه کتان در بر داشت، و دوات کاتبی بر کمر او بود.» و خداوند به او گفت: از میان شهر، از میان اورشلیم بگذر، و بر پیشانی مردمانی که برای همه مکروهاتی که در میان آن به‌جا آورده می‌شود آه می‌کشند و ناله می‌کنند، علامتی بگذار.» شهادت‌ها، جلد 3، 266.

رؤیای حزقیال در باب‌های هشت تا یازده، مستقیماً تاریخ ادونت‌یسم را تا هنگام قانون یکشنبه و در همان زمان، مورد خطاب قرار می‌دهد. این رؤیا دو طبقه از پرستش‌کنندگان را که در اورشلیم (ادونت‌یسم) هستند، مشخص می‌سازد، و از لحاظ نبوی با مکاشفه عیسی مسیح که درست پیش از بسته شدن زمان آزمایش گشوده می‌شود، مرتبط است؛ زیرا نخستین ارجاعات آن، عدد «666» را در نمادپردازی نبوی عرضه می‌دارد. بدین‌سان، یکی از چهار چیزی را که حکیمان باید در ایام آخر بر آن‌ها پیروزی یابند، معین می‌سازد، و آن چهار چیز بخشی از نور هشتمی است که «از آن هفت» می‌باشد. مکاشفه پانزده نیز مشخص می‌سازد که آنان که بر چهار جنبه نمادین پاپیت پیروزی می‌یابند، سرود موسی و بره را می‌سرایند.

در آن روز، اشعیا در فصل بیست‌وهفتم می‌گوید که عادلان ایام آخر، سرود تاکستان را خواهند سرایید؛ سرودی که بره، هنگامی که در میان مردمان گام می‌زد، سرود، و مردمی برگزیده را مشخص می‌سازد که از ایشان درمی‌گذرند، در حالی که قومی برگزیده جدید در حال برگزیده شدن است. این سرود را «حکیمان» ایام آخر در هنگام مهرگذاری حزقیال نه و مکاشفه هفت می‌سرایند. رؤیای حزقیال در فصل‌های هشت تا یازده، بخشی از همان سرود است.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«قوم حقیقی خدا، که روح کار خداوند و نجات جان‌ها را در دل دارند، همواره گناه را در ماهیت واقعی و گناه‌آلود آن خواهند نگریست. آنان همیشه جانب رفتار صادقانه و بی‌پرده را در برابر گناهانی خواهند گرفت که به‌آسانی قوم خدا را گرفتار می‌سازد. به‌ویژه در کار پایانی برای کلیسا، در زمان مهرگذاری آن صد و چهل و چهار هزار نفری که باید بی‌عیب در برابر تخت خدا بایستند، ایشان عمیق‌تر از هر زمان دیگر، بدی‌های قوم مدعی خدا را احساس خواهند کرد. این امر به‌گونه‌ای نیرومند در تمثیل نبی از آخرین کار، تحت تصویر مردانی که هر یک سلاحی برای کشتار در دست داشتند، بیان شده است. در میان آنان مردی بود ملبس به کتان، با دوات نویسنده‌ای بر

پہلوی خویش۔ «و خداوند به او گفت: از میان شهر، از میان اورشلیم بگذر، و بر پیشانی مردمانی که برای همه رجاساتی که در میان آن به عمل می آید آه می کشند و ناله می کنند، علامتی بگذار.»

«در این زمان چه کسانی در شورای خدا ایستاده اند؟ آیا آنان اند که عملاً خطاها را در میان قوم معترف خدا توجیه می کنند و در دل های خود، اگر نه آشکارا، بر ضد کسانی که می خواهند گناه را توبیخ کنند، همهمه و شکایت می نمایند؟ آیا آنان اند که در برابر ایشان موضع می گیرند و با کسانی که مرتکب خطا می شوند همدلی می کنند؟ هرگز! مگر آنکه توبه کنند و کار شیطان را در ستم کردن بر کسانی که پا را بر دوش دارند و در تقویت دست های گناهکاران در صهیون ترک گویند، هرگز نشان مهر تأیید خدا را دریافت نخواهند کرد. آنان در هلاکت عمومی شیران سقوط خواهند کرد؛ هلاکتی که با کار آن پنج مرد حامل سلاح های گشتار به تصویر کشیده شده است. این نکته را با دقت توجه کنید: آنان که نشان پاک حقیقت را، که به وسیله قدرت روح القدس در ایشان پدید آمده است و با علامتی که آن مرد ملبس به کتان می نهد نمایانده شده، دریافت می کنند، همان کسانی هستند که «برای همه رجاست هایی که در کلیسا انجام می شود آه می کشند و فریاد برمی آورند.» محبت ایشان به طهارت و به حرمت و جلال خدا چنان است، و دید ایشان نسبت به شدت گناه آلود بودن گناه چنان روشن است، که چنان تصویر شده اند که گویی در عذاب اند، حتی آه می کشند و فریاد برمی آورند. باب نهم حزقیال را بخوانید.»

“لیکن اُن سب کا عام قتل عام جو اس طرح گناه اور راست بازی کے درمیان وسیع تضاد کو نہیں دیکھتے، اور نہ اُن کی مانند احساس رکھتے ہیں جو خدا کی مجلس میں کھڑے ہوتے ہیں اور نشان پاتے ہیں، اُن پانچ آدمیوں کو دیے گئے اُس حکم میں بیان ہوا ہے جن کے پاس ہلاکت کے ہتھیار تھے: ”تم اُس کے پیچھے پیچھے شہر میں جاؤ اور مارو: تمہاری آنکھ ترس نہ کھائے، نہ تم رحم کرو: بوڑھوں اور جوانوں کو، کنواریوں کو، ننھے بچوں کو، اور عورتوں کو بالکل ہلاک کر ڈالو: لیکن کسی ایسے آدمی کے نزدیک نہ جانا جس پر نشان ہو؛ اور میرے مقدس سے ابتدا کرو۔“ Testimonies, volume 3, 266, 267